

خلاصه ای از مبحث جهاد از دیدگاه شهید مطهری

درباره جهاد، یکی از مسائلی که مطرح می شود این است که اسلام، جهاد را برای چه وضع کرده است؟

بعضی معتقدند اساسا در دین نباید جهاد و قانون جنگ وجود داشته باشد؛ چون جنگ بد چیزی است. دین باید بر ضد جنگ باشد؛ نه اینکه خودش قانون جنگ وضع کرده باشد. اما می دانیم که یکی از فروع دین اسلام جهاد است.

از جمله مواردی که مسیحیان فوق العاده علیه اسلام تبلیغ می کنند، همین است. می گویند: اولاً چرا چنین ماده قانونی در دین اسلام وجود دارد و ثانياً مسلمین، به واسطه همین اجازه قانونی از طرف اسلام، با ملتها وارد جنگ شدند و اسلام را به زور تحمیل کردند.

شهید مطهری در پاسخ به شبهات مذکور و در توضیح آیه شریفه:

﴿قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله و لا باليوم الآخر و لا يحرمون ما حرم الله و رسوله و لا يدينون دين الحق من الذين اوتوا الكتاب حتى يعطوا الجزية عن يدٍ و هم صاغرون﴾ توبه/۲۹

بحث مطلق و قید را در آیات قرآن مطرح نموده و اینگونه نتیجه گیری کرده اند که موارد مشروعیت جهاد با اهل کتاب عبارتند از:

۱- وقتی که آن طرف بخواهد با شما بجنگد

۲- مانعی برای نشر دعوت اسلامی ایجاد کند؛ یعنی سلب آزادی دعوت بکند

۳- آنها یک قومی را در تحت ظلم و شکنجه خودشان قرار داده باشند (نساء/۷۵)

نظر گروهی از مفسرین این است که آیه ۲۹ سوره مبارکه توبه خواسته که اهل کتاب را دو دسته کند و بگوید اهل کتاب همه یک جور نیستند؛ بعضی از اهل کتاب واقعا به خدا و قیامت و قانون خدا ایمان دارند، به آنها کاری نداشته باشید. با آن عده از اهل کتاب که اسمشان اهل کتاب است، ولی ایمان آنها به خدا و قیامت درست نیست و واقعا حرام خدا را - حتی همانها را که در دین خودشان حرام است - حرام نمی دانند، با آنها بجنگید.

اشکالات پیرامون جهاد و پاسخ استاد مطهری

اشکال: آیا صحیح است که در متن یک دین و در متن قانون آن، قانون جنگ وجود داشته باشد؟

پاسخ: باید مورد و منظور جنگ را به دست آورد که برای چه منظور و هدفی است. یک وقت است که جنگ تهاجم است؛ یعنی فرد یا ملتی چشم طمع به حقوق دیگران، مثلا به سرزمین دیگری می دوزد، یا تحت تاثیر تفوق طلبی و یا ادعای برتری نژادی آغاز به جنگ می کند. این هدفها هدفهای نادرست است.

ولی اگر جنگی برای دفع تهاجم باشد، اگر نجنگیم و بگوییم جنگ مطلقا بد است و ما صلح طلب هستیم، این صلح طلبی نیست، بلکه تسلیم است.

جنگ تهاجمی قطعا بد است، اما جنگ به معنی ایستادگی در مقابل تهاجم قطعا خوب و از ضروریات زندگی بشر است.

قرآن به این مطلب اشاره، بلکه تصریح می کند:

﴿و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض﴾ بقره/۲۵۱

و اگر خدا بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر نمی راند، بی گمان زمین تباہ می شد

﴿و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذکر فیها اسم الله﴾ حج/۴۰

و اگر خدا بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار ذکر می شود، سخت ویران می شد

یک ارتشی که وظیفه اش جلوگیری از تجاوز است، وجودش لازم و ضروری است. ارتش داشتن برای دفاع، برای هر کشوری واجب است که آن قدر نیرومند باشد، تا جلوی تجاوز را بگیرد.

﴿و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم﴾ انفال/۶۰

و تا می توانید در برابر آنها نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید تا با آن، بترسانید دشمن خدا و دشمن خودتان را

قرآن می گوید: برای اینکه رعب شما در دل دشمن قرار بگیرد و دشمن خیال تجاوز به ساحت شما را در دماغ خودش راه ندهد، نیرو تهیه کنید و نیرومند باشید.

می گویند مسیحیت این افتخار را دارد که هیچ اسمی از جنگ در آن نیست. اما ما می گوییم اسلام این افتخار را دارد که قانون جهاد دارد. مسیحیت که جهاد ندارد، چون هیچ چیز ندارد، جامعه و قانون و تشکیلات اجتماعی بر اساس مسیحیت ندارد، تا قانون جهاد هم داشته باشد. در مسیحیت چیزی نیست؛ چهار تا قانون اخلاقی است.

اسلام آمده جامعه تشکیل بدهد، آمده کشور تشکیل بدهد، آمده دولت تشکیل بدهد، آمده حکومت تشکیل بدهد؛ رسالتش اصلاح جهان است. چنین دینی نمی تواند بی تفاوت باشد؛ نمی تواند قانون جهاد نداشته باشد؛ همچنان که دولتش نمی تواند ارتش نداشته باشد.

دین البته باید طرفدار صلح باشد. قرآن هم می گوید: «وَالصَّالِحُ خَيْرٌ»؛ اما بایستی در آنجا که طرف حاضر به همزیستی شرافتمندانه نیست و به حکم اینکه ظالم است و می خواهد به شکلی شرافت انسانی را پایمال کند، ما اگر تسلیم بشویم، ذلت را متحمل شده ایم و بی شرافتی را به شکل دیگری متحمل شده ایم.

ترسیم قرآن از جهاد و شرایط آن

اولین آیه ای که در باب جهاد آمده آیات ۳۸ تا ۴۱ سوره مبارکه حج است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ * أذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنِهِمْ ظُلْمُوا وَاِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَاِنْ لَا دِفْعَةَ لِلَّهِ النَّاسِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَاِنَّ اللَّهَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

قطعا خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند [زیرا] خدا هیچ خیانتکار کفرپیشه ای را دوست ندارد * به کسانی که جنگ به آنها تحمیل شده، اذن [جهاد] داده شده؛ چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر یاری آنها تواناست * کسانی که به ناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند، چرا که می گفتند: پروردگار ما خداست، و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی کرد صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار ذکر می شود، سخت ویران می شد و قطعا خدا به کسی که [دین] او را کمک کند یاری می دهد، که خدا مسلما نیرومند شکست ناپذیر است *

ببینید لحن آیات این است: خدا از اهل ایمان دفاع می کند. بعد می فرماید: اجازه داده شد به این مردمی که دیگران به جنگ اینها آمدند که بجنگند؛ این درست حالت دفاع است.

قرآن می گوید: اگر در مواقعی که تهاجم از نقطه مقابل شروع شده، این طرف دفاع نکند، سنگ روی سنگ بند نمی شود، تمام مراکز عبادت از میان می رود. یعنی هیچ کس آزادی پیدا نمی کند خدا را به این شکل عبادت کند.

قرآن بعد وعده نصرت می دهد: هر کسی که او را یاری کند، یعنی حقیقت را یاری کند، خدا او را یاری می کند. خدا مردمی را یاری می کند که از خودشان دفاع کنند.

البته عرض کنم این تهاجمهایی که باید با آنها مبارزه بشود، همه به این شکل نیست که طرف به سرزمین شما حمله کند. ممکن است تهاجم به این شکل باشد که طرف در سرزمین خودش، گروهی ضعیف و ناتوان و به اصطلاح قرآن

«مستضعفین» را تحت شکنجه قرار دهد، شما در چنین شرایطی نمی توانید بی تفاوت بمانید. شما رسالت دارید آنها را آزاد کنید.

یا دیگری فضای خفقانی ایجاد کرده که نمی گذارد دعوت حق در آنجا نشو کند، سدی ایجاد کرده. اینها تهاجم است. باید مردم را از قید اسارت های فکری و غیرفکری آزادی کنی.

در همه این موارد جهاد ضرورت دارد و چنین جهادی، دفاع و مقاومت در برابر ظلم، یعنی تهاجم است. دفاع به معنی اعم، یعنی مبارزه با یک ظلم موجود.

جنگ هم ممکن است تجاوز باشد، و هم ممکن است جوابگویی به تجاوز باشد، چون جواب تجاوز را باید با زور داد و راهی غیر از زور وجود ندارد.

می گویند صلح خوب است. ما هم قبول داریم صلح خوب است، اما تسلیم و ذلت چطور؟

مسئله دیگر: ممکن است طرف با ما نخواهد بجنگد؛ ولی مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به یک عده از افراد انسانها شده است و ما قدرت داریم آن انسانهای دیگر را که تحت تجاوز قرار گرفته اند، نجات دهیم؛ اگر نجات ندهیم در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده ایم. ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان هم نباشند، ولی تحت تجاوز قرار گرفته اند. آیا این هم برای ما جایز است که کمک این مظلومها بشتابیم؟

بله این هم جایز است، بلکه واجب است.

اگر آن مظلوم غیرمسلمان باشد، دو گونه است: آن ظالم مردم را در حصار قرار داده که مانع نشر دعوت اسلام است. اسلام به خودش حق می دهد که دعوتش را در جهان منتشر کند؛ ولی اگر دعوتش بخواهد منتشر بشود، فرع بر این است که آزادی برای نشر دعوت داشته باشد. در اینجا جنگ با توده مردم جایز نیست، ولی مبارزه با آن رژیم فاسد از نظر اسلام جایز است. لزومی هم ندارد که مظلوم تقاضای کمک کرده باشد.

بسیاری از جنگهای صدر اسلام تحت همین عنوان واقع شد:

﴿وَمَا لَكُمْ لَاتِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾ نساء/ ۷۵

ای مسلمانان چرا در راه خدا و در راه آن مردمی که بیچاره اند، از مرد و زن و بچه، بیچارگانی که گرفتار شده اند، چرا برای نجات اینها نمی جنگید؟

اما از آنجا که ایمان آوردن اجباری نیست، و به تصریح قرآن که می فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ هر که دلش می خواهد ایمان بیاورد، ایمان بیاورد و هر که هم دلش می خواهد کافر باشد، کافر زیست کند.

در آیه ای دیگر می فرماید:

﴿فَإِنْ عَتَزَلَوْكُمْ فَلَمْ يُفَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا﴾

ای پیغمبر! اگر اینها از جنگ کناره گیری کردند و با شما نجنگیدند و اظهار صلح کردند و گفتند: ما حاضریم با شما صلح کنیم، خدا به تو اجازه نمی دهد، دیگر از اینجا بیشتر جلو بروی و با اینها بجنگی.

در نتیجه در اینجا چهار ردیف آیات ذکر شد:

یک. آیاتی که به صورت مطلق می گوید بجنگید.

دو. آیاتی که جنگیدن با دیگران را مقید می کرد به قیدی، مانند اینکه آنها با شما در حال جنگ باشند، یا اینکه آنها یک توده ای از مردم مسلمان یا غیرمسلمان را در زیر مهمیز خودشان قرار داده و آزادی آنها و حقوق آنها را پایمال کرده اند.

سه. آیاتی بود که صریحا می گفت دعوت اسلامی اجباری نیست.

چهار. آیاتی که اسلام در آن آیات طرفداری خودش را از صلح صریحا اعلام می دارد.

دفاعهای مشروع:

دفاع از حیات، مال، سرزمین، استقلال، ناموس، همه دفاعهای مشروع است.

و دفاع از انسانیت:

یک سلسله چیزهاست که اینها از حقوق یک فرد و یا از حقوق یک ملت، برتر است، مقدس تر است و دفاع کردن از آنها نزد وجدان بشری بالاتر است از دفاع از حقوق شخصی و اینها همان مقدسات انسانیت است؛ به عبارت دیگر ملاک تقدس دفاع، این نیست که انسان باید از خود دفاع کند، بلکه ملاک این است که باید از «حق» دفاع کند.

جنگ برای حقوق انسانیت، مشروع است. اصل «لا اله الا الله» جزء حقوق انسانیت است. پس اگر مردمی برای توحید و مبارزه با شرک بجنگند جنگشان جنبه دفاعی دارد؛ نه جنبه استعدامی و استعماری و استثمارگری و تجاوز.

برگرفته از کتاب آزادی انسان شهید مرتضی مطهری